

فصل اول:

اوضاع سیاسی- اجتماعی و تأثیر
آن بر معماری و شهرسازی ایران
پس از انقلاب اسلامی

مقدمه

انقلاب ۱۳۵۷ نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران بود که نه تنها ساختار سیاسی و اجتماعی کشور را دگرگون کرد، بلکه مسیر تحولات اقتصادی، فرهنگی و کالبدی شهرها را نیز به طور بنیادین تغییر داد. گفتمان و سیاست حاکم بر کشور در طول پنج دهه گذشته از دولت موقت پس از انقلاب تا دولت های اخیر، همواره در تعامل با تحولات داخلی و بین المللی، شکل دهنده روند اقتصادی و اجتماعی آن بوده و به طور مستقیم و غیرمستقیم معماری و شهرسازی را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

دهه های آغازین پس از انقلاب با اولویت بخشی به تثبیت نظام حاکم و بازسازی پس از جنگ تحمیلی، اگرچه زمینه رشد نهادهای سیاسی و اجتماعی و تعریف چارچوب های سیاست خارجی مستقل را فراهم نمود، با این حال محدودیت های مالی و شرایط جنگی، شکل گیری و ترویج معماری و شهرسازی ساده، بدون تجمل و در عین حال کارکردی و بوم گرا را مهیا ساخت. در دهه های بعد از پایان جنگ و در پی ترمیم تدریجی توان اقتصادی کشور، پروژه های نمادین و زیرساختی از قبیل برج میلاد، توسعه قطار شهری در کلان شهرها و طرح مسکن مهر، نمایانگر تلاش دولت ها برای نشان دادن «پیشرفت و عدالت ملی» بودند و همزمان تغییرات کالبدی گسترده ای در شهرها ایجاد کردند. این پروژه ها، علاوه بر کارکردهای شهری، بازتاب دهنده سیاست های اقتصادی، رشد درآمدهای نفتی و پاسخ به فشارهای اجتماعی نیز محسوب می شوند. در دهه نود شمسی با تحولات رخ داده در سیاست و روابط خارجی، توسعه شاخص های اقتصادی و ورود سرمایه خارجی به کشور، امکان پیگیری پروژه های شهری بزرگ، تکمیل پروژه های

نیمه تمام و توسعه شبکه‌های زیرساختی جدید را فراهم ساخت و پس از بازگشت تحریم‌های سیاسی و اقتصادی، پروژه‌های ساخت‌وساز شهری مجدداً با محدودیت منابع مالی مواجه شدند. تحولات اقتصادی این دوره از کشور را می‌توان در معماری با تأکید بیشتر بر طراحی پروژه‌های میان‌تراکم و مقرون به صرفه از قبیل پروژه مسکن ملی و در ارجحیت استفاده از مصالح بومی مشاهده نمود. علاوه بر این، تحولات دیجیتالی و توسعه شبکه ملی اطلاعات و فناوری، زیرساخت‌های هوشمندسازی ساختمان‌ها و شهرها را تقویت نموده و تغییرات فضایی و عملکردی در معماری معاصر ایران را رقم زده‌اند.

معماری و شهرسازی را می‌توان با قاطعیت یکی از زمینه‌های متأثر از گرایش‌ها و رویکردهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر جامعه و دوره‌ای یاد کرد. در نیمه دوم قرن چهاردهم شمسی و تحولات سیاسی کشور پس از انقلاب ۱۳۵۷، معماری و شهرسازی در ایران و تبریز نیز با تبعیت از پیامدهای اقتصادی و فرهنگی آن و در پی دگرگونی‌های بنیادین جامعه در این دوره، با چالش‌ها و فرصت‌های گوناگونی مواجه بوده است که در این فصل پیش از بازشناسی معماری ابنیه عمومی نیم قرن اخیر تبریز در فصل پایانی، شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور در سطوح ملی و بین‌المللی پس از انقلاب اسلامی مورد بازشناسی قرار می‌گیرد.

آغاز ساختار نوین حکومتی با انقلاب اسلامی

با اتمام حکومت پهلوی و فروپاشی نظام شاهنشاهی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، زمینه ایجاد ساختارهای جدید حکومتی در کشور فراهم شده بود. در همان روز، به پیشنهاد شورای انقلاب و تأیید امام خمینی، در راستای گذار کشور از نظام شاهنشاهی به جمهوری اسلامی، مهدی بازرگان به عنوان رئیس دولت موقت معرفی شد و وظایف برگزاری همه‌پرسی و تدوین قانون اساسی جدید کشور را برعهده گرفت. یکی از نخستین اقدامات این دولت، برگزاری همه‌پرسی آری یا خیر برای تشکیل جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ بود که با مشارکت گسترده، از بیش از ۹۸ درصد مردم ایران رأی مثبت دریافت نمود. مشارکت گسترده مردم در برگزاری همه‌پرسی آری یا خیر برای تشکیل جمهوری اسلامی ایران در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ و دریافت رأی مثبت از اکثر آراء را می‌توان گام مهمی در شروع دوره جدید و مسیر تحولات این دوره یاد کرد. با وجود موفقیت اولیه، دولت موقت از همان آغاز با مشکلات متعددی مواجه شد. رقابت و تفرقه میان گروه‌های سیاسی، از جمله جبهه ملی، حزب توده، مجاهدین خلق، فداییان خلق و گروه‌های مذهبی

مانند حزب جمهوری اسلامی، چالش‌های زیادی را ایجاد کرد. این گروه‌ها همواره در پی کسب نفوذ و تحقق اهداف خود بودند و از طریق اعتراضات خیابانی و تظاهرات، مطالبات خود را دنبال می‌کردند. ظهور این احزاب و گروه‌ها، اگرچه تا حد زیادی ناشی از محدودیت‌های مربوط به فعالیت سیاسی در دوره پیشین بود، با این حال برخی از این گروه‌ها نیز با پذیرش قواعد دموکراتیک مخالفت کرده و درصدد نابودی نظام نوپای جمهوری اسلامی برآمدند؛ امری که باعث تهدید ثبات اجتماعی و سیاسی کشور شد. بحران‌های اقتصادی نیز بر مشکلات دولت افزود و سقوط ارزش پول ملی، خروج سرمایه‌ها و آغاز تدریجی تحریم‌ها، توان دولت در تأمین نیازهای اولیه مردم را کاهش داد و نارضایتی اجتماعی و صنفی را تشدید کرد. همزمان، بحران‌های قومی و شورش‌هایی در کردستان، آذربایجان غربی، خوزستان و ترکمن صحرا، دولت موقت را مجبور به اختصاص بخشی از انرژی خود به مسائل داخلی و امنیتی نمود. در سطح منطقه‌ای، سیاست خارجی ایران پس از انقلاب بر دو محور استوار شد. نخست، مقابله با نفوذ قدرت‌های بزرگ در منطقه و همگرایی اسلامی و دوم، حمایت از جنبش‌های شیعی در چارچوب اهداف سیاسی و استراتژیک ایران. این سیاست‌ها، هم بر موقعیت ژئوپلیتیک ایران و هم بر تعاملات داخلی با اقلیت‌ها و جنبش‌های محلی اثر گذاشت. واقعه سفارت ایالات متحده آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ آغاز موج جدیدی از مشکلات دولت موقت به نخست وزیری مهدی بازرگان بود که در آن دانشجویان پیرو خط امام، برای اعتراض به حضور محمدرضا پهلوی در آمریکا، با ورود به سفارت این کشور در تهران، کارکنان آن را گروگان گرفتند. در حالی که دولت بازرگان این اقدام را محکوم کرد، حمایت قاطع امام خمینی از دانشجویان، موقعیت دولت موقت را به شدت تضعیف نمود و نهایتاً منجر به استعفای دولت در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ شد. تشکیل دولت موقت به نخست وزیری مهدی بازرگان را می‌توان دوره‌ای حساس و کوتاه در تاریخ انقلاب اسلامی ایران دانست که با استعفای ایشان و واگذاری وظایف نخست وزیر به شورای انقلاب، به طور رسمی زمینه شکل‌گیری ساختارهای سیاسی جدید کشور و ورود به مرحله‌ای نو از تاریخ آن آغاز شد. در این دوران پرتنش سیاسی عامل تأثیرگذار بر وضعیت پروژه‌های معماری و راه و شهرسازی کشور را می‌توان در تغییر رویکردهای متصدیان این حوزه مورد بررسی قرار دارد. با تغییرات پدید آمده در ساختار قدرت و تشدید شرایط انقلابی و همچنین آغاز تنش‌های بین‌المللی، بسیاری از شرکت‌های خارجی و پیمانکاران بین‌المللی فعال در پروژه‌های عمرانی در افسانقاط کشور به دلیل نبود چشم‌انداز شفاف از ابعاد اقتصادی



خبر استعفای دولت بازرگان (روزنامه اطلاعات، ۱۴ آبان ۱۳۵۸)

News of the resignation of the Bazargan government (Ettelaat newspaper, November 5, 1979)

حاکم بر پروژه‌های در حال ساخت، آنها را به وضعیت تعلیق درآورده و ایران را ترک نمودند. در چنین شرایطی، بخش قابل توجهی از طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ شهری و زیرساختی نیمه‌تمام باقی ماند. از این جمله می‌توان در تبریز به توقف احداث ساختمان پست اشاره نمود که در سال ۱۳۵۴ با واگذاری به شرکت آمریکایی هیروس، عملیات ساخت آن آغاز شده بود.^۱

اولین انتخابات ریاست جمهوری

یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین رویدادهای سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برگزاری نخستین انتخابات ریاست جمهوری ایران در ۵ بهمن ۱۳۵۸ بود. این انتخابات نقطه عطفی در مسیر نهادینه کردن ساختار جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت و فضای سیاسی کشور را با چالش‌های جدیدی مواجه ساخت. پس از استعفای دولت موقت مهدی بازرگان در پی شرایط بحرانی مربوط به سفارت آمریکا در تهران، کشور با خلأ نسبی در حوزه اجرایی روبه‌رو بود. در چنین فضایی، شورای انقلاب تصمیم گرفت با برگزاری سریع انتخابات، گامی مؤثر در تثبیت نظام جدید بردارد و از تشدید بی‌ثباتی جلوگیری کند. ثبت نام کاندیداها از اواخر پاییز آغاز شد و طیفی گسترده از شخصیت‌های

۱- (بیتی و پورجوادی اصل، ۱۴۰۳: ۱۹۶)

انقلابی، روشنفکران ملی‌گرا و چهره‌های مذهبی وارد رقابت شدند. ابوالحسن بنی‌صدر، چهره‌ای دانشگاهی و اقتصاددان مستقل، با وعده مبارزه با فقر، پایان دادن به بحران‌های اقتصادی و ایجاد انسجام سیاسی، توانست محبوبیت فراوانی کسب کند. انتخابات با مشارکت حدود ۱۴ میلیون نفر برگزار شد و بنی‌صدر با کسب بیش از ۱۰ میلیون رأی و حدود ۷۵ درصد آرا، به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور تاریخ جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد.



ابوالحسن بنی‌صدر نخستین رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران از انتخابات ۵ بهمن ۱۳۵۸ (راست: روزنامه انقلاب اسلامی، ۶ بهمن ۱۳۵۸، چپ: بیمارستان قلب تهران، مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری بنی‌صدر در حضور امام خمینی)

Abolhassan Bani Sadr, the first president of the Islamic Republic of Iran, from the elections of 25 January 1980 (right: Enghelab-e-Islamic newspaper, January 26, 1980, left: Tehran Heart Hospital, ceremony to enforce Bani Sadr's presidential decree in the presence of Imam Khomeini)

با این حال، پیروزی انتخاباتی بنی‌صدر آرامش سیاسی مدنظر دستگاه حکومتی را در کشور تأمین نکرد. اختلاف بنی‌صدر با طیفی از گروه‌های مذهبی و چپ‌گرا که از نخستین ماه‌های ریاست جمهوری آغاز شده بود، با افزایش تنش‌های بین او با حزب جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی و نهادهای انقلابی، در ادامه موجب عزل ایشان از ریاست جمهوری و زمینه‌ساز حوادث نو از آغاز دهه شصت شمسی در کشور شد.

انقلاب فرهنگی (۱۳۶۱-۱۳۵۹ ش)

نخستین نشانه‌های تقابل ایدئولوژیک در دانشگاه‌ها از زمستان ۱۳۵۷ پدیدار شد. با گسترش جدل سیاسی مابین انجمن‌های اسلامی، مجاهدین خلق، فدائیان خلق و گروه‌های مارکسیست در دانشگاه‌ها، در ۲۲ فروردین ۱۳۵۹ امام خمینی دانشگاه را «مبدأ همه تحولات» نامید و دستور تأسیس «ستاد انقلاب فرهنگی» را صادر نمود.



انقلاب فرهنگی و بازتاب آن در سطح جامعه و روزنامه‌ها

The Cultural Revolution and its reflection in society and newspapers

ستاد انقلاب فرهنگی مرکب از نمایندگان دفتر تحکیم وحدت، سپاه پاسداران و وزارت علوم، مأموریت «اسلامی کردن کامل فضا و محتوای دانشگاه‌ها» را برعهده داشتند و پیش از آغاز فعالیت‌های ایشان، تمامی دانشگاه‌های کشور به‌طور موقت به حالت تعلیق درآمدند. ستاد انقلاب فرهنگی مصاحبه عقیدتی - امنیتی و دوره بازآموزی اسلامی را به‌عنوان دو سازوکار اصلی برای اعضای هیئت علمی و دانشجویان در نظر گرفت. نتیجه این اقدامات، اخراج یا بازنشستگی پیش از موعد نزدیک به دو هزار استاد دانشگاه و محرومیت از تحصیل بیش از ۱۵ هزار دانشجو تا پایان سال ۱۳۶۱ بود. سرفصل‌ها و محتوای آموزشی علوم انسانی، فلسفه و علوم اجتماعی به‌طور گسترده تغییر یافت و آثار غربی با منابع اسلامی جایگزین شد. مهاجرت نخبگان، تغییر در نقش زنان در آموزش عالی و شکل‌گیری دانشگاه آزاد اسلامی برای جبران کمبود ظرفیت دانشگاه‌های دولتی را می‌توان از مهمترین پیامدهای مربوط به فعالیت‌های ستاد انقلاب فرهنگی برشمرد. بازگشایی دانشگاه‌ها تحت کنترل شدید انجمن‌های اسلامی و بسیج دانشجویی به‌صورت تدریجی آغاز شد و برگزاری مراسم «هفته وحدت حوزه و دانشگاه» سالانه یادآور اهداف انقلاب فرهنگی بود.

پس از انقلاب فرهنگی، در رشته‌های مربوط به معماری و شهرسازی نیز همانند دیگر رشته‌های دانشگاهی، محتوای فرهنگ و معماری اسلامی به سرفصل دروس این رشته‌ها افزوده شد. تغییرات مطابق با رویکردهای جدید اجتماعی و سیاسی در کشور و حذف برخی از دروس معماری مرتبط با محتوای معماری جهان و به‌ویژه غرب و نیز برخی اساتید وابسته به این نظام فکری از یکسو و همچنین ورود زمینه‌های مربوط به

معماری بومی به ویژه معماری دوران اسلامی از سوی دیگر، بستر نظری و عملی جدید در ساختار علمی و فرهنگی وابسته به علوم معماری و ساخت و ساز در کشور را به طوری فراهم ساخت که پیش از آن، اگرچه از سوی معماران و صاحب نظران معماری کشور مورد توجه بودند، با این حال دامنه تأثیرگذاری اندکی در نمود هویت معماری و شهرسازی جامعه ایفا می نمودند.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳۶۷-۱۳۵۹ ش)

تنش های میان جمهوری اسلامی ایران و عراق، از نخستین روزهای پس از شکل گیری نظام جمهوری اسلامی آغاز شد و بخش مهمی از آن به تقسیمات مرزی بین دو کشور مربوط بود. در این هنگام صدام حسین، رئیس جمهور وقت دولت بعث عراق با تصور بر اینکه ایران با نظام حکومتی تازه تأسیس توان بازدارندگی دوران سابق را به دلیل خلأ فرماندهی ارتش خود از دست داده و سپاه پاسداران هنوز انسجام تشکیلاتی نیافته است، با اطلاق «خنجری بر گلو» به «پیمان الجزایر»، یک سویه «معاهده مرزهای بین المللی و روابط حسن همجواری» بین ایران و عراق را لغو و زمان بازپس گیری شط العرب را اعلام کرد. او در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ م) آغازگر جنگی با ایران شد که هفت سال و نه ماه به طول انجامید و تلفات انسانی و مالی سنگینی را به هر دو کشور تحمیل نمود. پس از هشت سال جنگ بین ایران و عراق، توان رزمی و اقتصادی دو کشور به آستانه فرسودگی رسیده بود؛ ایران نتوانست از برتری نیروی انسانی برای شکست راهبردی استفاده کند و عراق، با اتکا به تسلیحات شیمیایی و پشتیبانی کشورهای دیگر، برتری موضعی یافت ولی قادر به تحمیل شرایط صلح خود نشد؛ بنابراین جنگ بین دو کشور به عرصه دیپلماسی بین المللی انتقال یافت. ستاد کل نیروهای مسلح ایران در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ (۱۸ جولای ۱۹۸۸ م) در شرایطی که عراق در موقعیت بهتر نظامی قرار داشت و

۱ - در پی حل اختلافات مرزی دیرینه میان ایران و عراق که از زمان جنگ دوم جهانی بر سر مالکیت آب های اروندرود وجود داشت، عهدنامه موسوم به «پیمان الجزایر»، ۱۵ اسفند ۱۳۵۳، با اعلامیه مشترک حکومت شاهنشاهی ایران، عراق و میانجیگری الجزایر در الجزیره، پایتخت این کشور شکل گرفت. پس از مذاکرات متعدد در تهران و بغداد این قرارداد در ۲۳ خرداد ۱۳۵۴ (۱۳ جون ۱۹۷۵ م) با نام رسمی «معاهده مرزهای بین المللی و روابط حسن همجواری» در دارالسلام بغداد امضا شد که جزئیات حقوقی، امنیتی و نقشه های مرزی را تثبیت کرد. پس از روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی در ایران از یکسو و اختلافات ایدئولوژیک دو نظام حکومتی از سوی دیگر موجب شد تا صدام حسین، با ادعای مالکیت عراق به ارتفاعات میمک و زین الکش و تحمیل پیمان الجزایر به حکومت بعثی عراق، در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ (۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ م) در یک سخنرانی تلویزیونی لغو یک جانبه ی پیمان مذکور را اعلام نموده و در ۳۱ شهریور به حمله ای گسترده علیه ایران اقدام نماید.



پیش بینی حمله عراق بیش از یک سال قبل از حمله (روزنامه اطلاعات، ۲۹ خرداد ۱۳۵۸)

Predicting the Iraq invasion more than a year before the attack (Ettelaat newspaper, June 19, 1979)

داخل خاک ایران شده بود، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را به شورای عالی دفاع پیشنهاد کرد. پیام امام خمینی در ۲۹ تیر ۱۳۶۷ (۲۰ جولای ۱۹۸۸ م) عبارت «نوشیدن جام زهر» را به ادبیات سیاسی ایران افزود و پس از برقراری آتش بس شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ (۲۰ آگوست ۱۹۸۸ م)، کمیسیون مختلط نظامی مواضع طرفین را روی خط مرزی تثبیت کردند.

تجربه هشت ساله جنگ که در گفتمان رسمی «دفاع مقدس» و در متون سازمان ملل «جنگ ایران و عراق» نام گرفت، در سه لایه به هم پیوسته فرهنگ، نهاد و سیاست باقی مانده است.

نخست، الگوی فرهنگ ایثار و شهادت است. از سال ۱۳۶۱ «بنیاد شهید» مأمور تدوین آیین نامه مزایای خانواده شهدا و جانبازان شد؛ طبق گزارش سالانه این بنیاد تا ۱۴۰۳ بیش از یک میلیون نفر از خدمات درمانی و معیشتی آن بهره می‌برند. نمادهای شهری، دیوارنگاره‌ها و موزه و نمایشگاه‌های دفاع مقدس، شبکه‌ای از یادمان‌ها و احیای این فرهنگ محسوب می‌شوند. دوم، نهادینه شدن بسیج و سپاه به عنوان بازیگران دائمی

۱ - قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ (۲۰ جولای ۱۹۸۷ م)، برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق صادر شد. متن این با قطعنامه‌های قبلی تفاوت داشت و موجب تحریم اقتصادی یا حمله نظامی قدرت‌های جهانی علیه کشور متخلف می‌شد. موضوع «مسئولیت منازعه» برای اولین بار در آن مطرح شده بود که همان «تعیین متجاوز» مورد نظر ایران بود. ایران اصرار داشت اول متجاوز تعیین شود و بعد قطعنامه را بپذیرد در حالی که شورای امنیت این شرط را قبول نداشت. قطعنامه دو روز بعد صدور آن از سوی عراق پذیرفته شد، ولی ایران پس از حدود یک سال و تحمل تلفات و خسارات بیشتری قطعنامه را پذیرفت و جنگ در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ (۲۰ آگوست ۱۹۸۸ م)، پایان یافت.



خبر دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد از سوی ایران (روزنامه کیهان ۲۹ تیر ۱۳۶۷)
 News on the reasons for Iran's acceptance of UN Security Council Resolution 598 (Kayhan newspaper, July 20, 1988)

سیاست داخلی و خارجی ایران است. با قانون تشکیل بسیج مستضعفین در سال ۱۳۶۱، نیروهای داوطلب آن روزهای جنگ به سازمانی ۲۲ میلیونی تبدیل شد که امروزه تنها در حوزه امنیتی، بلکه در پروژه‌های عمرانی و خدمات عمومی نیز فعال است. سوم، گسترش روایت دفاع مقدس در هنر و رسانه است. سینمای جنگ از مستندهای مرتضی آوینی تا فیلم‌های ابراهیم حاتمی‌کیا سبکی را بنا نهاد و سینمای دفاع مقدس پایه‌گذاری شد. پس از ۱۳۷۰ هر سال به‌طور متوسط شش فیلم یا سریال تلویزیونی با موضوع در ذیل این سینما تولید شد.

هزینه‌ها و خسارات سنگین جنگ، کاهش شدید درآمدهای نفتی، افت توان تولید، تورم شدید و کسری بودجه بالا، در حالی که نرخ رشد جمعیت کشور بیش از ۳ درصد بود، دولت را مجبور به تشکیل ستاد بسیج اقتصادی و کنترل سهمیه‌ای کالاهای اساسی، یارانه نان و قیمت سوخت کرد؛ بنابراین سطح استاندارد زندگی و معیشت در ایران در تمامی ابعاد با کاهش مواجه شد.

در این دوره معماری و شهرسازی همچون دیگر زمینه‌های رشد و توسعه کشور، تحت تأثیر مستقیم هزینه‌ها و خسارات جنگ قرار گرفت و در دو سطح سیاست‌گذاری و اجرایی، دگرگونی‌ها و تحولات اساسی در آن رخ داد.

در سطح سیاست‌گذاری معماری و شهرسازی، تجربه جنگ موجب شکل‌گیری نهادهای جدید در زمینه‌های مدیریت بحران، بازسازی و مسکن شد. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ستاد بازسازی مناطق جنگ‌زده و سازمان برنامه و بودجه با مأموریت‌های خاص در حوزه عمران از جمله نهادهای سیاست‌گذاری هستند که در این دوره و تحت شرایط

خاص منتج از جنگ در ایران شکل گرفتند و بنیان‌گذار الگوی دولتی و متمرکز در توسعه شهری شدند که تا دهه‌ها بر شیوه مدیریت شهرها تأثیرگذار بود.

در سطح اجرایی کمبود کالا و مصالح، نبود بودجه و سرمایه‌گذار موجب تعلیق و رکود پروژه‌های عمرانی و ساخت و ساز در سطح کشور شد. معماری در این دوران به سمت طراحی ساده با مصالح ارزان، بومی و معماری عملکردگرا و اضطراری سوق یافت؛ پروژه‌های بلندمدت به تعویق افتاد و تنها ساخت وسازهای کوچک و پاسخ‌گو به نیازهای فوری جمعیتی و مسکونی ادامه یافت. در حوزه شهرسازی، تخریب گسترده زیرساخت‌ها و نابودی مناطق وسیعی از شهرهای مرزی غرب کشور را ناگزیر به اتخاذ سیاست‌های فوری برای اسکان موقت، بازسازی مسکن و احیای خدمات شهری کرد. جابه‌جایی هزاران نفر از مناطق جنگ‌زده به شهرهای مرکزی، فشار مضاعفی بر زیرساخت‌های کلانشهرهای تهران، اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز وارد کرد و بسیاری از شهرهای مرزی تا سال‌ها با رکود عمرانی و کاهش جمعیت روبه‌رو ماندند. در زمینه طراحی شهری نیز تمرکز بر نمادهای مقاومت و هویت ملی- مذهبی موجب ظهور معماری یادمانی و معنوی شد؛ ایجاد فضاهای نمادین دفاع مقدس، دیوارنگاره‌های شهری و المان‌های یادمانی میدان‌ها به فضاهای شهری چهره جدیدی را بخشید که همزمان با عملکرد اجتماعی، نمادگرایی فرهنگی را در شهرها تقویت کردند.

به‌طور کلی، جنگ موجب انتقال معماری، شهرسازی و سیاست اقتصادی ایران از مرحله‌ای آرمان‌گرا و ایدئولوژیک به مرحله‌ای واقع‌گرا، بازسازی محور و عملکردگرا شد. اولویت اصلی در این دوران پاسخ سریع به نیازهای جمعیتی و مسکن، پایداری سازه و کارکرد اجتماعی فضاها بود، در حالی‌که شکل‌گیری فرهنگ مقاومت و شهادت بعد معنوی و نمادین تازه‌ای به فضاهای شهری بخشید که تا امروز نیز در سیمای شهرهای ایران قابل مشاهده است.

سازندگی پس از جنگ (۱۳۷۶-۱۳۶۸ ش)

پس از پایان جنگ تحمیلی هاشمی رفسنجانی با شعار «سازندگی» و بازسازی اقتصادی رئیس‌جمهور ایران شد و تلاش برای نوسازی پس از جنگ و اصلاحات را آغاز کرد. جنگ خسارت عظیمی به اقتصاد کشور وارد کرده بود و کشور با ویرانی‌های گسترده اقتصادی و زیرساختی مواجه بود و از طرفی تغییر قانون اساسی که به حذف پست نخست‌وزیری منجر شد، زمینه را برای طرح گفتمان سیاسی جدید بر محور سازندگی و توسعه اقتصادی فراهم ساخت. دولت رفسنجانی، ضمن تدوین برنامه اول

توسعه با هدف کاهش وابستگی به نفت و رشد اقتصادی، تلاش کرد سیاست خارجی منعطف‌تری را دنبال کند تا هم آرامش سیاسی بر کشور حاکم شود و هم سرمایه‌گذاری خارجی جذب گردد.

در عرصه اقتصاد، راهبرد دولت سازندگی را می‌توان در سه شاخص اصلی ۱. برنامه توسعه و تعدیل ساختاری، ۲. خصوصی سازی و ۳. آزادسازی تجاری، خلاصه کرد. برنامه اول توسعه، با هدف رشد متوسط ۸ درصد و کاهش وابستگی به نفت تدوین شد و برای تأمین منابع، وام‌های خارجی فعال گردید و سقف تأمین مالی خارجی تا ۶ میلیارد دلار تصویب شد. نرخ ارز رسمی نیز طی چند مرحله تعدیل شد تا صادرات غیرنفتی رقابتی گردد. در زمینه خصوصی سازی، آیین‌نامه واگذاری شرکت‌ها تصویب و فروش سهام ۲۰۸ بنگاه دولتی آغاز شد؛ با این حال نبود بازار سرمایه پویا سبب شد تنها ۱۴ درصد واگذاری‌ها به بخش خصوصی واقعی برسد و مابقی به نهادهای شبه دولتی منتقل شود. آزادسازی تجاری نیز با کاهش فهرست کالاهای مشمول کاپن و پایین آوردن حق ورودی کالاها همراه شد و بازار ارز موازی به رسمیت شناخته شد. پیامد این سیاست‌ها شامل رشد تولید ناخالص داخلی، جهش تورم و افزایش نابرابری درآمدی بود.

ضرورت بازسازی خسارات جنگ موجب شد تا حکومت جمهوری اسلامی سیاست «واقع‌گرایی پراگماتیک» را جایگزین گفتمان آرمان‌گرایی دهه نخست پس از انقلاب اسلامی نماید. هدف اصلی این چرخش، گشودن درهای اقتصاد به سرمایه و فناوری خارجی بود؛ بنابراین دستگاه دیپلماسی با شعار تعامل بی‌تنش کوشید روابط سیاسی را با اروپا، شرق آسیا و همسایگان خلیج فارس عادی کند و هم‌زمان از نظام مالی بین‌الملل مجدداً بهره‌برد. در شهریور ۱۳۶۹ عضویت مؤثر ایران در بانک جهانی از سر گرفته شد و نخستین تسهیلات بازسازی به ارزش ۲۵۰ میلیون دلار تصویب گردید. تأمین مالی خارجی تا سقف ۶ میلیارد دلار به دولت اجازه داد پروژه‌های زیربنایی را سرعت بخشد و نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی را در پنج سال به حدود ۲۳ درصد برساند. مهم‌ترین نوآوری قراردادی این دوره، الگوی «بیع متقابل»^۱ در صنعت نفت و گاز بود؛ فازهای نخست میدان گازی پارس جنوبی از ۱۹۹۵ م با حضور کنسرسیومی به رهبری شرکت فرانسوی توتال و شرکای مالزیایی و روسی آغاز شد و تا پایان ۱۳۷۶، حجم تعهد مالی این طرح‌ها به حدود ۱۳٫۷ میلیارد دلار رسید. در همین دوره، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از حدود ۱۰۰ میلیون دلار در ۱۹۹۱ میلادی به نزدیک ۲ میلیارد دلار در ۱۹۹۷ میلادی

افزایش یافت. با وجود رشد سرمایه‌گذاری، تحریم‌های آمریکا (فرمان اجرایی ۱۲۹۵۷ در ۱۹۹۵ م و قانون «ILSA»^۱ در ۱۹۹۶ م) مانع مشارکت شرکت‌های آمریکایی شد؛ اما بیش از ۴۰ شرکت اروپایی و آسیایی در کنفرانس نفت تهران حضور یافتند و برخی از آن‌ها قرارداد بیع‌متقابل امضاء کردند. این تجربه، اگرچه به جذب سرمایه خارجی و ورود فناوری به‌روز به کشور انجامید با این حال نشان داد بدون اصلاحات نهادی و تنوع‌بخشی سیاست خارجی، دستاوردی شکننده دارد.

دوران سازندگی را می‌توان نقطه عطفی در تحولات کالبدی و فضایی شهرهای ایران دانست؛ گفتمان غالب این دوره «نوسازی فنی و توسعه‌گرایی شتاب‌زده» بود و تأثیر عمیقی بر معماری و شهرسازی کشور برجای گذاشت. با پایان جنگ و آغاز بازسازی، دولت سازندگی با رویکردی تکنوکراتیک و واقع‌گرایانه، توسعه را در قالب رشد اقتصادی و نوسازی زیرساخت‌ها تعریف کرد. این نگرش بیش از آن‌که بر عدالت اجتماعی یا هویت فرهنگی متمرکز باشد، بر بازتولید فیزیکی و کارکردی فضا تکیه داشت و موجب شکل‌گیری نوعی معماری کارکردگرا و شهرسازی پروژه‌محور شد.

در عرصه معماری، تأکید بر بازسازی سریع و تأمین نیازهای کمی، موجب رواج تیپ‌سازی، استفاده از فناوری‌های صنعتی و بی‌توجهی به زمینه‌های فرهنگی و اقلیمی گردید. ورود فناوری و سرمایه خارجی به همراه گسترش روابط بین‌المللی، زمینه‌ساز نفوذ شیوه‌های طراحی مدرن و مصالح صنعتی شد و معماری این دوره را به‌سوی مدرنیسم متأخر با فرم‌های ساده و عملکردگرا سوق داد. رشد سرمایه‌گذاری و افزایش قیمت زمین در کلان‌شهرها نیز موجب شکل‌گیری ساختمان‌های بلند و برج‌های نمادین شد که نمود کالبدی گفتمان توسعه اقتصادی بودند.

در حوزه راه و شهرسازی، دولت سازندگی بیش از یک سوم بودجه عمرانی برنامه اول توسعه را به بازسازی و گسترش شبکه راه‌ها، تأسیسات و زیرساخت‌های شهری اختصاص داد. طول راه‌های آسفالت‌ه طی شش سال نخست برنامه بیش از ۴۰ درصد افزایش یافت و آزادراه تهران، قزوین، زنجان و تبریز به‌عنوان هسته شبکه جدید ترانزیتی کشور شکل گرفت. در همین راستا، خط ریلی بندرعباس - بافق افتتاح شد و متروی تهران نخستین قطار آزمایشی خود را به حرکت درآورد. تمرکز سیاست‌ها در این دوره بر توسعه فیزیکی و کالبدی شهرها بود. احداث بزرگراه‌ها و شبکه‌های حمل‌ونقل چهره شهرها را دگرگون کرد. در همین چارچوب، ساخت شهرهای جدید برای مهار مهاجرت روستا به شهر در دستور

۱ - قانون ILSA مخفف عبارت Iran and Libya Sanctions Act است و شامل قانون تحریم‌های ایران و لیبی است.



افتتاح ساختمان بانک مرکزی ایران در ۱۳۷۸

Opening of the Central Bank of Iran building in 1999

کار قرار گرفت و به دلیل کمبود خدمات و فرصت‌های شغلی، جذب جمعیت در آن‌ها محدود ماند. تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در کلان‌شهرها و ضعف برنامه‌ریزی اجتماعی، به گسترش شکاف میان مناطق مرکزی و پیرامونی انجامید و پدیده حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرها را به یکی از مسائل پایدار شهری بدل ساخت. به این ترتیب، راهبرد «سرمایه‌گذاری پرحجم و سریع» هرچند زیرساخت‌های ملی را بازسازی و ظرفیت اقتصادی کشور را گسترش داد، اما به دلیل فقدان ارزیابی اجتماعی و زیست‌محیطی و تمرکز منابع در پایتخت، زمینه‌ساز چالش‌های فضایی و نابرابری‌های شهری در دهه‌های بعد شد.

هم‌زمان با این تحولات، طبقه متوسط جدید و سبک زندگی شهری مدرن در حال شکل‌گیری بود و نیاز به فضاها، فرهنگی، تجاری و اجتماعی تازه، سیمای جدیدی به شهرها بخشید. فرهنگسراها، مراکز خرید و فضاها، عمومی مدرن نشانه‌های این تغییر بودند. با این حال، رشد کالبدی پرشتاب، بدون پشتوانه ارزیابی اجتماعی و زیست‌محیطی، پیامدهایی چون نابرابری فضایی، تخریب بافت‌های تاریخی و افت کیفیت زیست شهری به همراه داشت.

همچنین، تحولات اجتماعی و فرهنگی با بازگشت برنامه جامع تنظیم خانواده و کاهش نرخ باروری، رشد جمعیت شهری و ظهور طبقه متوسط نوظهور همراه شد. سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و افزایش حضور زنان در دانشگاه‌ها موجب شد طبقه

متوسط جدید شکل گیرد و توان تحرک اجتماعی افزایش یابد. مطبوعات نیز با رشد چشمگیر، آزادی نسبی انتشار و ظهور روزنامه‌های پرتیراژ و فرهنگسراها، نقش مهمی در گسترش افکار نوین و سبک زندگی مدرن ایفا کردند.

در عرصه سیاسی، شکل‌گیری حزب کارگزاران سازندگی و ورود تکنوکرات‌ها به کابینه، نمایندگی روشنفکران، صنعتگران و دیوان‌سالاران را به عهده گرفت و دولت را به سمت تکنوکراسی هدایت کرد. ورود تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و تعامل با خارجیان نیز به تحول فرهنگی و اجتماعی کشور کمک کرد. با این حال، رشد پرشتاب دوران سازندگی میراث دوگانه‌ای را برجای گذاشت. از یک سو افزایش ظرفیت اقتصادی کشور و از سوی دیگر ایجاد بحران‌های مالی، نابرابری اجتماعی و تنش‌های زیست‌محیطی دو میراث عمده این دوران محسوب می‌شوند. خصوصی‌سازی ناکامل و تمرکز مالکیت، همراه با جهش قیمت‌ها و فشار تورمی، به نابرابری‌های شهری و اعتراضات حاشیه‌نشینان انجامید. انتقادهای نشان می‌دهد که تعدیل ساختاری بدون حمایت اجتماعی، عمدتاً به سود گروه‌های رانت‌جو تمام شد و وابستگی اقتصاد به سرمایه و فناوری خارجی نیز بدون اصلاحات عمیق نهادی، شکننده باقی ماند.

در مجموع، دوران سازندگی را می‌توان دوران تلاشی فراگیر برای گذار از ویرانی جنگ به مدرنیزاسیون شهری و توسعه اقتصادی دانست. معماری و شهرسازی این دوره بازتاب مستقیم سیاست‌های نوسازی، واقع‌گرایی اقتصادی و گفتمان توسعه‌گرایی بود که با آزادسازی اقتصادی، اصلاحات زیرساختی و رشد سرمایه‌گذاری، بنیان بسیاری از زیرساخت‌های امروز را پایه‌گذاری کرد و شهرهای ایران را از مرحله بازسازی به مسیر توسعه سوق داد. با این حال، این فرایند پرشتاب با چالش‌هایی همچون نابرابری اجتماعی، تمرکز مالکیت دولتی، بحران‌های زیست‌محیطی و ناهماهنگی میان رشد فیزیکی، هویت فرهنگی و عدالت فضایی همراه بود. به این ترتیب، شهر ایرانی در این دوره با تلاش به برقراری تعادلی میان هویت، کارکرد و کالبد، به صحنه تلاقی دو رویکرد عمده سنت و مدرنیته بدل شد.

اصلاحات (۱۳۸۴-۱۳۷۶ ش)

در خرداد ۱۳۷۶، سید محمد خاتمی با کسب ۷۰ درصد آراء به ریاست جمهوری ایران انتخاب شد؛ انتخابی که نه تنها شگفتی سیاسی آفرید، بلکه مشارکت نزدیک به سی میلیون نفر را در انتخابات رقم زد. این مشارکت گسترده، از یک سو پیوند مردم با نظام سیاسی را تقویت کرد و از سوی دیگر مفاهیم بالقوه قانون اساسی مانند آزادی، مشارکت،

پاسخگویی و حقوق ملت را به عرصه بالفعل جامعه آورد. پیروزی خاتمی نشانه خیزش لایه‌های جوان و تحصیل‌کرده‌ای بود که خواستار «حاکمیت قانون» و «جامعه مدنی» بودند و آغازگر دوره‌ای موسوم به اصلاحات شد.



خبر انتخاب محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ با بیست میلیون رأی (روزنامه همشهری ۴ خرداد ۱۳۷۶)
News of Mohammad Khatami's election in the 1997 presidential election with twenty million votes
(Hamshahri newspaper, May 25, 1997)

جناح راست که پیش از آن تقریباً تمام بخش‌های مدیریتی و سیاسی کشور را در اختیار داشت، نماینده مطالبات طبقه متوسط جدید نبود و ریشه در فرهنگ سنتی شیعه داشت. این جناح معتقد به محدود نگاه داشتن آزادی‌های سیاسی و مخالفت با جلوه‌های تمدن غربی بود و در مسائل مربوط به زنان، شکل سنتی را برگزیده و مقاومت شدیدی نشان می‌داد. جناح چپ، با سابقه فعالیت در قالب حزب الله و پیروان خط امام، بیشتر نماینده افشار پایین دست جامعه و حامل گفتمان برابری خواهانه و رادیکال بود، اما پایان جنگ و تغییر رهبری، این جناح را به حاشیه راند.

سید محمد خاتمی در سخنرانی‌ها و سیاست‌های خود محورهایی چون جامعه مدنی، امنیت اجتماعی، آزادی، دموکراسی، گفت‌وگوی تمدن‌ها، مسائل زنان و رفاه و اشتغال را برجسته ساخت. او مفهوم «جامعه مدنی دینی» را به عنوان فضای مشارکت داوطلبانه شهروندان تعریف کرد و طی دو سال نخست، شمار سازمان‌های مردم‌نهاد ثبت شده از ۵۰۰ به بیش از ۲۳۰۰ رسید. آزادی نسبی مطبوعات، انفجار رسانه‌ای و رشد شبکه اینترنت و وبلاگ‌ها، عرصه جدیدی برای بیان دیدگاه‌ها و کنشگری مدنی ایجاد کرد.

هم‌زمان با تحولات سیاسی، اقتصاد کشور نیز با نفت ارزان و برنامه سوم توسعه

تثبیت شد. دولت اصلاحات بر مهار تورم، انضباط مالی و اصلاحات ساختاری تمرکز کرد. رشد واقعی تولید ناخالص داخلی به طور متوسط ۵٫۶ درصد بود و نرخ بیکاری از ۱۴٫۳ درصد به ۱۱٫۲ درصد کاهش یافت. برای مقابله با تکانه های بازار انرژی، «حساب ذخیره ارزی نفت» ایجاد شد و اوراق مشارکت ریالی برای تأمین مالی پروژه های عمرانی منتشر شد. با این حال، تورم میانگین ۱۵ درصد و خصوصی سازی ناقص، همچنان چالش های اقتصاد جوانان و اشتغال غیررسمی را تشدید کرد.

در عرصه سیاست خارجی، ایران با رویکرد تنش زدایی و گفت و گوی تمدن ها، روابط خود را با اتحادیه اروپا از سر گرفت و حجم تجارت دوجانبه تا ۲۰۰۳ به ۱۲ میلیارد یورو رسید. با این حال، پرونده هسته ای و افشای تأسیسات نطنز و اراک، دیپلماسی ایران را به چالش کشید. تعلیق داوطلبانه چرخه غنی سازی و امضای پروتکل الحاقی NPT با تفاهم نامه پاریس همراه شد، ولی اختلاف های داخلی و فشار نهادهای موازی امنیتی، اجرای بلندمدت تعهدات را محدود ساخت و بحران هسته ای به میراث پیچیده ای برای دولت های بعدی بدل شد.

هم زمان، انقلاب ارتباطات و فرهنگ دوم خرداد، الگوی زندگی شهروندان را دگرگون ساخت. کاربران اینترنت از چند صد هزار نفر در ۱۳۷۶ به بیش از ۴ میلیون نفر در ۱۳۸۳ رسیدند و وبلاگ ها و شبکه های اجتماعی نوظهور، عرصه بیان آزاد افکار را گشودند. بازار تلفن همراه و پیامک نیز به سرعت گسترش یافت و ماهواره به شکل گسترده ای وارد زندگی شهری شد. در سینما، موج نو دوم با آثار عباس کیارستمی، جعفر پناهی و بهمن قبادی، روایت های انسانی و نقد اجتماعی را به صحنه جهانی عرضه کرد و جشنواره فجر، ویتترین این رونق داخلی شد.

با این حال، جنبش اصلاحات با مقاومت نهادهای غیرانتخابی و ساختارهای امنیتی مواجه شد. رد صلاحیت گسترده نمایندگان اصلاح طلب در انتخابات مجلس هفتم، توقیف بیش از ۱۲۰ نشریه، قتل های زنجیره ای روشنفکران، محدودیت های جدی بر فضای سیاسی، رسانه ای و اجتماعی ایجاد کرد. این فشارها در نهایت در انتخابات ۱۳۸۴ و پیروزی اصول گرایان نمود یافت و نشان داد جامعه از اصلاحات نیم بند و شکاف طبقاتی فزاینده خسته شده است.

در عرصه معماری و شهرسازی، تحولات سیاسی و فرهنگی دوران اصلاحات با گسترش آزادی های نسبی، شکل گیری طبقه متوسط فرهنگی و رشد فناوری های ارتباطی، زمینه ساز بازاندیشی در فضاهای شهری و هویت معماری شد. رویکرد جامعه مدنی و

افزایش مشارکت شهروندان، خود را در گسترش فضاهای عمومی، فرهنگسراها، پارک‌ها و پروژه‌های شهری با کارکرد اجتماعی نشان داد. مدیریت شهری در کلان‌شهرها، به‌ویژه تهران، با محوریت شوراهای شهر و شهرداران منتخب، به سمت «شهر برای شهروند» و ارتقای کیفیت زندگی روزمره حرکت کرد. در این دوره، توسعه فیزیکی از سیاست‌های صرفاً کمی دوره سازندگی فاصله گرفت و مفاهیمی چون زیبایی‌شناسی شهری، هویت مکان و پایداری زیست‌محیطی مورد توجه قرار گرفتند.

رشد ارتباطات جهانی و دسترسی معماران به جریان‌های بین‌المللی طراحی، باعث شکل‌گیری نسل جدیدی از معماران تحصیل‌کرده شد که به معماری معاصر با رویکرد بومی - جهانی^۱ گرایش داشتند. تأکید بر مصالح بومی در کنار فناوری‌های نوین و تلاش برای پیوند میان سنت و مدرنیته، به شاخصه‌های اصلی این دوره بدل گردید. در این میان، بناهایی چون فرهنگسرای بهمن، خانه هنرمندان ایران و پارک گفت‌وگو در تهران، یا فضاهای عمومی تازه تأسیس در شهرهایی چون تبریز و اصفهان، نماد تغییر نگاه به نقش فرهنگی و اجتماعی فضاهای شهری بودند.



افتتاح «بوستان گفتگو» در ۱۳۸۲ در زمینی به وسعت ۱۴۴۵۸۰ مترمربع در غرب تهران

The "Goftegu Garden" was opened in 2003 on a land of 144,580 square meters in west Tehran

از منظر کالبدی، رشد طبقه متوسط و افزایش تقاضا برای سکونت شهری، ساخت مجتمع‌های مسکونی متوسط تراکم را رونق داد و معماری آپارتمانی با رویکرد اقتصادی - زیباشناختی جدید شکل گرفت. این تغییر، چهره محلات شهری را دگرگون کرد و

۱ - اصطلاح "Glocal" ترکیبی از دو واژه Global (جهانی) و Local (محلی) است و به رویکردی در طراحی، معماری، اقتصاد یا فرهنگ اشاره دارد که همزمان عناصر و استانداردهای جهانی را با ویژگی‌ها و نیازهای محلی تلفیق می‌کند.

گرایش به نماهای مدرن، مصالح ترکیبی و پلان‌های باز را گسترش داد. با این حال، نبود سیاست‌های منسجم در مدیریت زمین و کنترل تراکم، موجب تشدید نابرابری فضایی، گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی و تمرکز امکانات در مناطق مرکزی شد. در مجموع، دوران اصلاحات، دوره‌ای بود که جامعه ایران در آن با رشد مشارکت سیاسی، گسترش آزادی‌های مدنی، انقلاب ارتباطات و تحولات فرهنگی و کالبدی روبه‌رو شد. معماری و شهرسازی این دوره بازتاب تحولات فکری، اجتماعی و اقتصادی عصر دوم خرداد بود؛ دورانی که در آن، فضاهاى شهری به عرصه‌های گفت‌وگو، تعامل و هویت‌یابی بدل شدند و مسیر حرکت به سوی طراحی انسان‌محور، هویت‌بخش و پایدار در معماری معاصر ایران آغاز گردید.

بازگشت به ارزش‌های اولیه انقلاب اسلامی (۱۳۹۲-۱۳۸۴ ش)

با آغاز ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴، گفتمان جدیدی در سیاست داخلی و خارجی ایران شکل گرفت که با نام‌هایی همچون اصول‌گرایی، عدالت محوری و آرمان‌گرایی ارزش محور شناخته می‌شود. این گفتمان ترکیبی از رویکرد سنتی و انقلابی بود که بر بازگشت به ارزش‌های اولیه انقلاب اسلامی تأکید داشت و عناصر تجدیدگرایی را به حاشیه می‌راند. در سیاست خارجی، نگاه دو قطبی، جهان را صحنه تقابل خیر و شر می‌دید و جمهوری اسلامی ایران خود را پیش‌تاز جبهه حق علیه باطل و اسلام در برابر کفر می‌دانست. بر این اساس، دولت ایران به عنوان «دولت عدالت‌گستر و ظلم‌ستیز» نقش‌آفرینی می‌کرد و بر اتحاد نیروهای ضد استکباری پیرامونی تمرکز داشت. در عرصه داخلی، عدالت محوری به دال مرکزی گفتمان احمدی‌نژاد بدل شد. برنامه‌های اقتصادی دولت نهم و دهم مبتنی بر توزیع مستقیم منابع به خانوارها، هدفمندسازی یارانه‌ها، حمایت از دهک‌های پایین و میانی، ایجاد اشتغال از طریق بنگاه‌های زودبازده و توسعه زیرساخت‌های روستایی بود. با جهش قیمت نفت از متوسط ۴۰ دلار در ۲۰۰۵ میلادی به بیش از ۱۱۰ دلار در ۲۰۱۱ میلادی، دولت توانست طرح‌های گسترده‌ای از جمله هدفمندسازی یارانه‌ها از آذر ۱۳۸۹، افزایش قیمت بنزین سهمیه‌ای، پرداخت یارانه نقدی ماهانه به بیش از ۹۵ درصد جمعیت و کاهش ضریب جینی از ۰/۴۱ به ۰/۳۸ را در سال اول اجرایی نماید. برای ایجاد اشتغال، بنگاه‌های کوچک با تسهیلات کم‌بهره حمایت شدند و این در حالی بود که حدود ۴۰ درصد مشاغل ایجاد شده در این دوره کمتر از سه سال دوام داشتند.

در این دوره فشار تحریم‌های بین‌المللی، به‌ویژه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، آمریکا و اتحادیه اروپا، اقتصاد ایران را با محدودیت‌های شدید روبه‌رو کرد و موجب کاهش صادرات نفت، افت درآمد ارزی و محدودیت در واردات کالاهای اساسی و فناوری شد. بحران هسته‌ای ایران و نامه‌های دیپلماتیک متعدد رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه ایران به شورای امنیت، زمینه‌ساز مذاکرات طولانی و اعمال تحریم‌های اقتصادی و مالی شد که بخش‌هایی از برنامه‌های توسعه‌ای و عمرانی کشور را تحت فشار قرار داد. مفهوم «اقتصاد مقاومتی» که بر درون‌زایی اقتصادی، مردمی‌سازی اقتصاد، تهاثر نفت با کالا، توسعه بورس ارز و تقویت صادرات غیرنفتی تأکید داشت از سال ۱۳۹۲ وارد ادبیات اقتصادی کشور شد و تا حدودی افزایش خودکفایی در کشاورزی و رشد شرکت‌های دانش‌بنیان را موجب شد. اقتصاد یارانه‌ای و توزیع مستقیم منابع در کنار اقتصاد مقاومتی، تلاش دولت برای کاهش فشار تحریم‌ها و حفظ رفاه اجتماعی را نشان می‌داد.

در عرصه توسعه شهری و روستایی، این دوران با پروژه‌های نمادین، مسکن اجتماعی و توسعه زیرساخت‌های روستایی مشخص شد. دولت با تأکید بر عدالت فضایی، علاوه بر شهرها، توجه ویژه‌ای به مناطق کم‌برخوردار و روستاها داشت. گسترش شبکه‌های برق و گاز روستایی، توسعه راه‌های روستایی، بهبود مسکن و خدمات شهری، ضمن تقویت عدالت اجتماعی، ارتباط بین شهر و روستا را مستحکم کرد و زیرساخت‌های اولیه برای توسعه پایدار مناطق کمتر برخوردار فراهم آورد. در حوزه شهری، برج میلاد با ارتفاع ۴۳۵ متر، توسعه متروی تهران، شبکه اتوبوس تندرو، تونل‌های شهری و توسعه حرم‌های مذهبی از جمله حرم امام رضا در مشهد و بین‌الحرمین شیراز نمونه‌هایی از اقدامات نمادین بودند که اهداف اقتصادی، کارکردی و هویتی را هم‌زمان دنبال می‌کردند. طرح مسکن مهر با هدف خانه‌دار کردن دهک‌های میانی و پایین در سراسر کشور اجرا شد و تا پایان ۱۳۹۲ بیش از ۱ میلیون و ۲۵۰ هزار واحد تحویل داده شد و ۴۵۰ هزار واحد در دست ساخت بود. این پروژه علاوه بر تأمین مسکن، نمود عینی توجه دولت به عدالت فضایی و کاهش نابرابری در دسترسی به مسکن بود. کمبود زیرساخت‌های خدماتی و کیفیت متفاوت برخی واحدهای مسکن مهر، پرسش‌هایی در زمینه پایداری و مدیریت شهری ایجاد کرد و زمینه‌ساز بروز مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و شهرسازی در آینده گردید.



عملیات عمرانی توسعه شهری حرم امام رضا
Construction operations for the urban development of Imam Reza Shrine

در این دوره با تکیه بر درآمد نفتی بالا و شعار عدالت محوری، پروژه‌های معماری یادمانی و فرهنگی تقویت شد. ایجاد یادمان‌های شهدای گمنام در میدان‌ها، فضاهای عمومی و دانشگاه‌ها، علاوه بر تقویت هویت ملی - مذهبی، بعد معنوی و نمادین تازه‌ای به فضاهای شهری بخشید و به نوعی معماری نمادین و عملکردگرایانه شکل گرفت که همزمان اهداف اجتماعی، هویتی و معنوی را دنبال می‌کرد.



افتتاح «باغ موزه دفاع مقدس» در ۱۳۹۱ در زمینی به مساحت ۲۰۰ هزار مترمربع در تپه‌های عباس‌آباد تهران
The "Sacred Defense Museum Garden" was opened in 2012 on a land of 200,000 square meters in the Abbas Abad hills of Tehran

در مجموع، دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد ترکیبی از توسعه کالبدی سریع، پروژه‌های نمادین، مسکن اجتماعی، توسعه روستایی، تقویت عدالت اجتماعی، اقتصاد یارانه‌ای و مقاومتی و هویت ملی بود. معماری و شهرسازی در این دوران نه تنها پاسخگوی نیازهای فوری جمعیتی و شهری بودند، بلکه ابزار بیان گفتمان سیاسی - اجتماعی دولت، مقابله با فشار تحریم‌ها و نمایش قدرت و هویت ملی نیز به شمار می‌آمدند. همزمان، محدودیت‌های زیرساختی، کیفیت متفاوت پروژه‌ها و فشار تحریم‌ها بر دوام و اثرگذاری این توسعه‌ها تأثیر گذاشت و زمینه‌ساز چالش‌های شهری و روستایی در دهه‌های بعد شد.

مسکن مهر

آغاز عملیات اجرایی مسکن مهر به عنوان «قانون سامان‌دهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن» به قائم مقامی وزارت مسکن و شهرسازی به طور رسمی از اردیبهشت ۱۳۸۸ آغاز شد. هدف این طرح ساخت واحدهای کم‌هزینه برای دهک‌های میانی و پایین بود. زمین دولتی به رایگان واگذار می‌شد و تأمین مالی عمدتاً از محل خط اعتباری بانک مرکزی برای بانک مسکن صورت می‌گرفت. نخستین تخصیص اعتبار در بهمن ۱۳۸۸ معادل ۴۵ هزار میلیارد ریال بود که به تدریج تا پایان ۱۳۹۲ به بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد ریال افزایش یافت. به این ترتیب، سهم تسهیلات مسکن در ترکیب دارایی‌های بانک مسکن از ۲۹ درصد در ۱۳۸۶ به ۶۲ درصد در ۱۳۹۲ جهش کرد. دولت برای تسریع عملیات، الگوی ساخت‌وساز انبوه‌سازی یکسان را برگزید؛ پیمانکاران بخش خصوصی در اراضی خارج از محدوده شهرهای بزرگ یا در کنار شهرهای جدید فعالیت می‌کردند. با این همه، عمق تغییر کالبدی در شهرها، پرسش‌های تازه‌ای مطرح ساخت. در کلان‌شهرهایی چون تهران، تبریز و اصفهان، بیشتر پروژه‌ها در شعاع ۲۰ تا ۴۰ کیلومتری هسته شهری واقع شد؛ برای نمونه، سایت «پرند» در جنوب غرب تهران از ۷۵۰۰ نفر جمعیت در سال ۱۳۸۵ به بیش از ۹۰ هزار نفر تا پایان ۱۳۹۲ رسید؛ اما شبکه حمل‌ونقل عمومی آن تنها یک خط اتوبوس برون‌شهری بود. فقدان زیرساخت‌های خدماتی مانند مدرسه، درمانگاه و فضای سبز سبب شد خانوارها بخشی از اوقات کاری و تحصیلی را همچنان در شهر مادر بگذرانند که نتیجه آن نیز رفت‌وآمدهای طولانی و افزایش هزینه حمل‌ونقل خانوار بود.

از منظر مهندسی، پژوهشکده صنعت ساختمان با ارزیابی ۶۵ سایت مسکن مهر گزارش کرد که در ۳۲ درصد واحدها، رده‌بندی انرژی پایین‌تر از استاندارد ملی شماره ۱۳۲۹۴ است و کیفیت شیشه و عایق حرارتی منجر به اتلاف انرژی سالانه‌ای معادل ۴۵۰ میلیون

لیتر سوخت معادل نفت خام می‌شود. نکته دیگر، تأثیر خط اعتباری بر پایه پولی بود. گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد رشد نقدینگی که در ۱۳۸۷ حدود ۱۵ درصد بود، در ۱۳۹۲ به ۳۸ درصد رسید؛ مسکن مهر در گستره‌ای کم سابقه، امکان تملک مسکن برای بخشی از جمعیت کم‌درآمد را فراهم کرد و رونق کوتاه‌مدت ساخت‌وساز و اشتغال را رقم زد. در برابر، تمرکز بر کمیت و تأمین مالی مبتنی بر چاپ پول، موجب فشار تورمی، چالش زیرساختی شهرهای میزبان و افت کیفیت ساختمانی شد. این تجربه در گفتمان معماری و شهرسازی به موضوع «مسکن انبوه مقرون به صرفه» و ضرورت پیوند آن با حمل‌ونقل و خدمات شهری بدل گردید.



آغاز اجرای طرح «مسکن مهر» از ۱۳۸۸

The implementation of the "Mehr Housing" project began in 2009

برنامه جامع اقدام مشترک^۱ (برجام)

با آغاز دولت یازدهم، سیاست خارجی ایران به سمت مذاکره و کاهش تنش متمرکز شد. نخستین دستاورد این رویکرد، توافق موقت ژنو در آبان ۱۳۹۲ بود که بخشی از دارایی‌های بلوکه‌شده بانک مرکزی آزاد و فعالیت شعبه‌های اروپایی چند بانک ایرانی را فعال کرد. پس از ۲۰ ماه مذاکره فشرده، برنامه جامع اقدام مشترک در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ جون ۲۰۱۵ م) با ایران و گروه ۵+۱ امضا شد و با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تأیید گردید.

1 - Joint Comprehensive Plan of Action

اجرای برجام که در غرب با نام توافق هسته‌ای ایران نام‌گذاری شد، محدودیت‌های عمده تحریم هسته‌ای ایران را تعلیق کرد و اثرات آن بر اقتصاد کلان کشور مشهود بود. نرخ تورم از حدود ۳۵ درصد در خرداد ۱۳۹۲ به ۹ درصد تا پایان ۱۳۹۵ رسید و رشد اقتصادی به دلیل افزایش تولید نفت و بازگشت شرکت‌های خارجی در انرژی و خودروسازی، به حدود ۱۳٫۴ درصد افزایش یافت. بازار سرمایه و صنعت خودرو از نخستین بخش‌هایی بودند که از رفع محدودیت‌ها بهره بردند و پروژه‌های نیمه‌تمام عمرانی، از تکمیل فازهای پارس جنوبی تا خطوط مترو، شتاب گرفت. این دوره ثبات نسبی با تورم تک‌رقمی و رشد سرمایه‌گذاری خارجی، پایه‌ای برای تحولات بعدی شهرها و پروژه‌های عمرانی شد.

بازگشت تحریم‌ها و جهش قیمت ارز

در اردیبهشت ۱۳۹۷ (می ۲۰۱۸ م)، ایالات متحده آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک گروه ۵+۱ خارج شد و معافیت‌های نفتی و بانکی ایران را لغو کرد. پیامد آن جهش شدید نرخ ارز در بازار ایران بود. دلار آزاد از ۵۵ هزار ریال به ۱۵۰ هزار ریال رسید. دولت با راه‌اندازی «سامانه نیما» تلاش کرد بازار ارز را مدیریت کند، اما فاصله نرخ نیما با بازار آزاد تا پایان ۱۳۹۸ به ۴۵ درصد و تورم سالانه به ۴۱ درصد رسید. اقدامات جبرانی شامل کالابرج الکترونیک و ارز ترجیحی ۴۲ هزار ریالی بود، با این حال خروج سرمایه و کاهش اعتماد، فشار اقتصادی را کاهش نداد. شتاب پروژه‌های عمرانی که متکی به منابع خارجی بودند، کند شدند و صدور پروانه‌های ساختمانی ۲۳ درصد کاهش یافتند.

همه‌گیری کرونا و رکود مضاعف

نخستین موارد کووید ۱۹ در ایران در بهمن ۱۳۹۸ شناسایی شد و در پی آن محدودیت‌های فعالیت ادارات، مدارس و کسب‌وکارها اعمال گردید. دولت بسته حمایتی شامل یارانه نقدی و وام کم‌بهره به بنگاه‌های خرد و صنایع آسیب‌دیده تصویب کرد. با وجود این، شاخص رشد (GDP)^۱ در سال مالی ۲۰۲۰ میلادی تنها ۱٫۵ درصد بود و تورم به ۳۶ درصد رسید. همه‌گیری کرونا رکود اقتصادی ناشی از تحریم‌ها را تشدید و فشار بر درآمد سرانه و بیکاری جوانان را افزایش داد و نیاز به زیرساخت نو، چشم‌انداز تغییر الگوی فضایی شهرها و معماری شهری را آشکار کرد.

۱ - GDP افزایش یا کاهش تولید ناخالص داخلی (Gross Domestic Product) در یک بازه زمانی مشخص است.



مقابله با همه‌گیری کووید ۱۹ در ۱۳۹۸
Tackling the Covid-19 pandemic in 2019

اقتصاد محوری دولت سیزدهم و مهار تورم

با آغاز دولت سیزدهم در مرداد ۱۴۰۰ و تورم نزدیک به ۴۵ درصد، تیم اقتصادی جدید سه محور اساسی ۱. تعادل بودجه، ۲. اصلاح یارانه‌های ارزی و ۳. تقویت پایه پول ملی را دنبال کرد. سهم مالیات از منابع عمومی به بیش از ۴۶ درصد رسید و ارزش ترجیحی برای کالاهای اساسی لغو شد. این اقدامات، نرخ تورم نقطه‌ای را از ۵۴ درصد در مهر ۱۴۰۱ به حدود ۳۲ درصد در دی ۱۴۰۳ کاهش داد. الحاق ایران به سازمان همکاری شانگهای و پذیرش در بریکس مسیر تهاثر نفت و واردات کالای سرمایه‌ای را هموار کرد و صادرات غیرنفتی ۱۶ درصد رشد یافت. تثبیت نسبی اقتصاد، زمینه اجرای پروژه‌های کالبدی بزرگ از جمله خطوط ریلی و نهضت ملی مسکن را فراهم کرد.

نهضت ملی مسکن

در سال‌های پایانی دولت دوازدهم طرح مسکن ملی مطرح شد. این طرح که به نوعی ادامه طرح مسکن مهر در دولت دهم بود، در دولت سیزدهم با تصویب قانون «جهش تولید و عرضه مسکن» با عنوان «نهضت ملی مسکن» در شهریور ۱۴۰۰ دولت را متعهد کرد تا پایان ۱۴۰۴ دست کم ۴ میلیون واحد مسکونی بسازد. در راستای این طرح بانک‌ها باید سال اول ۳۶۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداخت می‌کردند، اما تنها ۱۹ درصد تحقق یافت و بانک‌های کم‌کار مشمول جرائم شدند. وزارت راه و شهرسازی تا تابستان ۱۴۰۲، ۴۶

هزار هکتار زمین برای احداث ۶۶۲ هزار واحد مسکونی تأمین کرد. پروژه‌ها با طراحی میان‌تراکم، ارتفاع چهار تا هفت طبقه مسکونی همراه با کاربری آموزشی و درمانی، در شهرهای جدید و حومه پیشرفت کردند. تا زمستان ۱۴۰۳، حدود ۵۵۰ هزار واحد به سقف و اسکلت رسید و ۹۵ هزار واحد تحویل داده شد. اتصال این مجموعه‌ها به متروهای شهری یا قطار حومه‌ای تا ۱۴۰۵ در دستور کار است و وابستگی به تسهیلات بانکی همچنان ریسک پروژه‌ها را بالا نگه می‌دارد.

پروژه نهضت ملی مسکن با ترکیبی از رویکردهای عملکردگرا و هویت بخشی مشخص می‌شود. طراحی این پروژه‌ها با تراکم متوسط و توجه به کاربری خدماتی و آموزشی، به توسعه شهری پایدار و کاهش فشردگی جمعیتی در حاشیه شهرها کمک می‌کند. گسترش خطوط مترو و اتصال شهرهای جدید به شبکه ریلی، تحرک فضایی و دسترسی سریع به مراکز شهری را افزایش داده است. محیط‌های شهری در این پروژه علاوه بر زمینه کارکردی با همراهی توسعه میادین شهری، فضاها و عمومی و یادمان‌های فرهنگی هویت شهری



آغاز احداث برج‌های مسکونی «نهضت ملی مسکن» از ۱۴۰۱

The construction of residential towers of the “National Housing Movement” began in 2022

را نیز تقویت نموده و با رویکرد هویت بخش درهم آمیخته شده است. گسترش فیبر نوری و شبکه ۵G در پروژه مسکن ملی، زیرساخت‌های هوشمند شهری را تسهیل کرده و امکان شهرسازی دیجیتال و ارائه خدمات شهری هوشمند را فراهم آورده است.

در مهر ۱۴۰۰، «سند الزامات فاز دوم شبکه ملی اطلاعات» تصویب شد و هدف رسیدن سهم ترافیک داخلی به ۸۰ درصد و پوشش فیبر خانگی برای ۲۰ میلیون خانوار تا

پایان ۱۴۰۴ تعیین شد. وزارت ارتباطات طرح «فیبر پلاس» را آغاز و تا آذر ۱۴۰۳ بیش از ۷۰۲ میلیون پورت فیبر خانگی فعال کرد.

جمع‌بندی

در پنج دهه گذشته پس از انقلاب اسلامی، معماری و شهرسازی ایران همواره بازتاب‌دهنده تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور بوده و روند تغییرات آن را می‌توان در قالب تطور پاسخ به نیازهای عملی و هویت محور بررسی کرد. سال‌های ابتدایی پس از انقلاب و دوران جنگ تحمیلی با عراق، با محدودیت منابع مالی و ضرورت بازسازی فوری زیرساخت‌ها، معماری و شهرسازی را به سمت سازه‌های ساده، مقاوم و کم‌هزینه سوق داد و فضاهای مذهبی و عمومی به نمادهای هویت اجتماعی و سیاسی بدل شدند. پروژه‌های یادمانی و میدان‌های شهری این دوره، هم عملکردی و هم نمادین بودند و نقش مهمی در سازمان‌دهی اجتماعی ایفا کردند. پس از پایان جنگ، تمرکز بر بازسازی و توسعه زیرساخت‌ها، ساخت بزرگراه‌ها، خطوط ریلی و مجتمع‌های مسکونی صنعتی، رویکردی مدرن و کارکردگرا به شهرسازی تحمیل نمود. ساخت شهرهای جدید برای کنترل مهاجرت روستایی، با چالش‌هایی مانند تمرکز خدمات در کلان‌شهرها و رشد حاشیه‌نشینی همراه بود و نشان داد که توسعه صرفاً کمی، بدون توجه به کیفیت زندگی شهری، از استقبال مردمی کمتری برخوردار خواهد شد.

پس از اتمام جنگ و آغاز گشایش‌های سیاسی و اجتماعی و همچنین افزایش تدریجی توان اقتصادی، موجب رشد مشارکت طبقه متوسط در حوزه‌های مختلف در کشور شد و در نتیجه نگرش به فضاهای شهری نیز تغییر کرد. توسعه انسان‌محور، ارتقای کیفیت زندگی و هویت‌یابی فرهنگی در طراحی معماری و شهرسازی مورد توجه قرار گرفتند. ایجاد فرهنگسراها، پارک‌ها و فضاهای عمومی و گرایش به ترکیب مصالح مدرن و مصالح بومی و پیوند سنت و مدرنیته در سیمای بیرونی ساختمان‌ها، نشان‌دهنده گسترش تفکر انسانی و اجتماعی در طراحی شهری و معماری کشور بود. در دهه‌های اخیر، سیاست‌های شهری و معماری با تأکید بر عدالت اجتماعی، بازگشت به هویت ملی-مذهبی و توسعه متوازن پیش رفته است. پروژه‌های بزرگ شهری و معماری معاصر با ترکیب فناوری‌های نوین و مصالح بومی، تلاشی برای ایجاد فضایی مقاوم، عملکردگرا و همزمان هویت‌مند بوده است. به این ترتیب، تحولات معماری و شهرسازی ایران پس از انقلاب نه تنها بازتاب‌دهنده شرایط سیاسی و اقتصادی بوده، بلکه ابزاری برای هدایت و شکل‌دهی به فضای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه نیز محسوب می‌شود.